

هرمز؛ دوربرگردان احیای ریال

اگر تا امروز رشد شتابان نقدینگی، کسری بودجه و تحریم ها به گسترش دلاری شدن اقتصاد و تضعیف ارزش ریال انجامیده است، کسب درآمد ایران از تنگه هرمز می تواند آغاز مسیری معکوس و نقطه ای برای افزایش تقاضای ریال باشد



محمد حقگو
economice@khorasannews.com

در اقتصاد، ارزش پول ملی بیش از آنکه تابع دستور، بخشنامه یا حتی حجم ذخایر باشد، نتیجه یک واقعیت ساده است: تقاضا. پولی که تقاضا دارد، می ایستد؛ پولی که ندارد، هر چقدر هم که از آن مراقبت شود، لغزش می کند. ریال ایران طی دهه های اخیر به رغم جهش های شدید نقدینگی، عمدتاً صرف تقاضاهای غیر واقعی شده و بیش از هر چیز از کمبود همین تقاضای واقعی آسیب دیده است؛ با این حال، علاوه بر تقاضای واقعی پول در داخل، کمبود کارکرد فرامرزی، نبود الزام های خارجی برای نگهداری آن و محدود ماندن نقش آن به مرزهای داخل کشور چالشی مضاعف در مسیر تقویت ریال به شمار می رود. در چنین شرایطی، هر تغییر ساختاری که بتواند «کارکرد خارجی» برای ریال ایجاد کند، موضوعی معمولی یا صرفاً درآمدی به حساب نمی آید، بلکه یک اتفاق پولی است. در همین چارچوب، خبر تأیید واریز درآمد حاصل از عوارض تنگه هرمز به صورت ارز نقد به بانک مرکزی - و نه رمزارز یا اعتبار غیر قابل وصول - نقطه شروع بحثی بزرگ تر است: آیا ایران می تواند از مسیر حکمرانی در مهم ترین آبراه جهان، سازوکاری برای افزایش واقعی تقاضا برای ریال بسازد؟ آیا می توان مسیر دهه ها «تقاضای دلار» را آرام آرام معکوس کرد؟

سرانجام نقد شد: تأیید نخستین تراکنش درآمد از تنگه هرمز

باتأیید بانک مرکزی، برگ جدیدی از تاریخ اقتصادی ایران رقم خورد. اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز عملاً به کسب درآمد از آن منجر شد. خبرگزاری فارس گزارش داد که درآمد ناشی از دریافت عبور کشتی ها از تنگه هرمز به بانک مرکزی به صورت نقد واریز شده است. این در حالی است که پیش تر برخی رسانه ها مدعی شده بودند که ایران عوارض از تنگه هرمز را به صورت رمزارز دریافت می کند. این گزارش می افزاید: در حال حاضر عوارض دریافتی از کشتی ها بر اساس نوع و میزان محموله و نیز در صد ریسک آن ها متفاوت است. این عوارض نیز بابت تأمین خدمات امنیتی فقط از کشتی هایی که از ایران بابت عبور از تنگه اجازه می گیرند، دریافت می شود.

چرا ارز نقد؛ بودن درآمد ناگفته مهمی است؟

نکته مهمی که در همین جا قابل ذکر است، این است که بانک مرکزی اعلام کرده که درآمدهای دریافتی

به بزرگ ترین تجربه مشابه در جهان انداخت: دلار آمریکا. پیش از دهه ۱۹۷۰ دلار چیز متفاوتی از دیگر ارز های عمده نبود؛ ارزی که پشتوانه آن ها طلا بود و ارزشش تابع ذخایر بانک های مرکزی. اما در سال ۱۹۷۱، با تصمیم نیکسون، پیوند دلار با طلا قطع شد و ناگهان پولی که پشتوانه فیزیکی داشت، به پول فیات (اعتباری) جهانی تبدیل شد؛ پولی که ارزشش بر پایه اعتماد و تقاضا تعریف می شود.

از کجا؟

از جایی که آمریکا توانست تقاضای مصنوعی و الزام آور برای دلار ایجاد کند؛ یعنی بازار جهانی نفت. کشور هایی که می خواستند نفت بخرند، باید دلار نگه می داشتند؛ پس تقاضای دائمی و ساختاری برای دلار شکل گرفت. همین تقاضا بود که اجازه داد آمریکا با قدرت چاپ پول را ادامه دهد بدون آنکه ارزش دلار به هم بریزد. این تجربه نشان می دهد قدرت پولی از تقاضای آید، نه از چاپ کمتری بیشتر.

معضل تاریخی ریال؛ پولی که تقاضای خارجی نداشت

برگردیم به ریال. پول ملی ایران اگر چه از جهش های نقدینگی، اشکالات ساختاری نظیر سوء کارکرد نظام بانکی و هم چنین دست درازی دولت ها به



آن آسیب دیده، اما و رای همه این ها، این ارزی که ضعف ساختاری دیرینه داشته است: عدم تقاضای فرامرزی. هیچ کشوری شرکت خارجی برای انجام تجارت الزام به ریال ندارد. ریال قابل استفاده در معاملات بین المللی نیست و حتی در منطقه نیز نقش کارکردی ندارد. در نتیجه، ارزش آن به طور عمده وابسته به انتظارات داخلی و نقدینگی داخل کشور می شود.

در چنین وضعیتی، وقتی رشد نقدینگی شتاب می گیرد اما محیط خارجی تقاضایی برای ریال ایجاد نمی کند، به طور طبیعی مسیر «دلاری شدن اقتصاد» تقویت می شود. مردم و فعالان اقتصادی به سمت دارایی ای می روند که خارج از مرز ها تقاضا دارد و اعتبارش و قدرت خریدش پایدار است. بنابراین اگر قرار است «دوربرگردان ارزش» شکل بگیرد، باید از همان نقطه ای شروع شود که دلار مسیرش را ساخت: ایجاد یک تقاضای بیرونی، واقعی و پایدار.

تنگه هرمز؛ جایی که اقتصاد و ژئوپلیتیک به هم می رسند

تنگه هرمز مسیری استراتژیک است؛ بیش از یک پنجم نفت جهان و بخش مهمی از تجارت منطقه ای از آن عبور می کند. این واقعیت جغرافیایی، سرمایه ای است که اگر تنها در سطح امنیتی دیده شود، خام می ماند. اما اگر به سازوکار مالی متصل شود، می تواند «کارکرد پولی» ایجاد کند. در حال حاضر بر اساس اعلام رسمی بانک مرکزی، درآمدهای حاصل از عوارض ارائه خدمات امنیتی و کشتیرانی به کشتی هایی که از ایران اجازه عبور دریافت کرده اند: به صورت ارز نقد واریز شده اند؛

- میزان عوارض بر اساس نوع و حجم محموله و در صد ریسک محاسبه می شود؛
- این درآمدها تنها از کشتی هایی دریافت می شود که از ایران اجازه عبور می گیرند؛
- و مهم تر از همه، این عوارض در قابل ارائه خدمات امنیتی هستند، نه مالیات سیاسی یا تکلیف تحمیلی. این نکته آخر حیاتی است: وقتی خدمات ارائه می شود، تقاضا هم شکل می گیرد.
- یعنی این درآمد حاصل از یک رابطه اقتصادی قابل تداوم است، نه یک تصمیم مقطعی.

تنگه هرمز فراتر از کیف پول

در بسیاری از تحلیل ها، درآمد تنگه هرمز تنها به عنوان یک منبع ارزی جدید دیده می شود. اما در واقعیت، اهمیت اصلی آن ها پولی است نه بودجه ای. چرا؟

- این درآمدها از بیرون کشور می آیند،
- تکرارپذیر و مبتنی بر خدمات هستند؛
- ماهیت آن ها درآمد آینده می تواند به شکل های متنوع مالی گسترش یابد؛
- و مهم تر از همه، می توانند نقطه شروع ایجاد تقاضا برای ریال باشند.

به بیان ساده تر، ما جرای این نیست که درآمد هرمز چقدر است؛ ما جرای این است که هر دلار جدیدی که وارد چرخه بانکی می شود، بر خلاف گذشته، محصول یک سمت دارایی ای می روند که خارج از مرز ها تقاضا دارد و اعتبارش و قدرت خریدش پایدار است.

به عنوان مثال، در سناریویی کاملاً محتمل:

- بخشی از این درآمدها می تواند به اوراق ریالی یا پشتوانه ارز تبدیل شود؛
- کشتی های می توانند برای تخفیف یا وامیابی بیشتر، سپرده گذاری ریالی داشته باشند؛
- شرکت های منطقه ای می توانند برای تسویه برخی خدمات، ریال نگه داری کنند؛
- و حتی با توسعه زیر ساخت ها، پیمان های دویا چند جانبه با کشورهای همسایه برای استفاده از ریال در خدمات دریایی شکل بگیرد.

این ها نه خیال پردازی، بلکه همان روندی است که بسیاری از کشور ها برای ایجاد کار کرده منطقه ای برای پولشان طی کرده اند.

مسیر معکوس؛ انتقال تقاضا از دلار به ریال چگونه ممکن است؟

برای درک اهمیت موضوع، باید به جمله کلیدی زیر تیتیر (در بالای مطلب) باز گردیم: «مسیر معکوس»

یعنی تغییری در جریان تقاضا. وقتی درآمدهای خارجی به ریال گره بخورند یا به ابزار های مالی ریالی تبدیل شوند، ساختار تقاضا آرام آرام تغییر می کند. به جای این که ریال به طور کامل اسیر چرخه داخلی نقدینگی باشد، بخشی از ارزش آن از بیرون تغذیه و بخشی از کاهش ارزش آن از بیرون جبران می شود.

این اتفاق چهار پیامد مهم دارد:

- کاهش وزن انتظارات داخلی در تعیین ارزش ریال
- پولی که منبع خارجی دارد، تنها تابع رفتار بازار داخل نیست.
- ایجاد انگیزه برای نگهداری ریال در خارج از کشور
- هر نهادی که در منطقه از خدمات ایران استفاده می کند، بالقوه می تواند دارنده ریال باشد.
- توان بانک مرکزی در مدیریت ارز افزایش می یابد
- وقتی درآمد نقدی خارجی افزایش می یابد، دست سیاست گذار پولی باز تر می شود.
- ریال یک «کارکرده» پیدا می کند، نه تنها «نقش محلی»

جمع بندی

در مجموع و در نگاه اول، خبر درآمد های تنگه هرمز ممکن است تنها یک خبر بودجه ای به نظر برسد؛ اما از منظر اقتصادی و پولی، نشانه ای از آغاز یک تغییر جهت است. منطق موجود این است: اگر دلار با تقاضای جهانی قدرتمند شد، ریال نیز می تواند با ایجاد یک تقاضای منطقه ای و سپس فرامنطقه ای، از مسیر جدیدی تقویت شود. این مسیر از کجا شروع می شود؟

از همان نقطه ای که زیر تیتیر گزارش آن را توصیف می کند: مسیر معکوس؛ یعنی مسیری که بر خلاف روند چند دهه اخیر که ریال تحت تأثیر دلاری شدن اقتصاد تضعیف شده، این بار می تواند از حوزه ای بیرونی، واقعی و پایدار، تقاضا دریافت کند. ریال اگر بخواهد ارزش پیدا کند، باید کارکرد پیدا کند. و درآمدهای هرمز - با همه پیچیدگی ها و گام های لازم برای تکمیل این سازوکار - نخستین نشانه جدی آن کارکرد تازه اند. این همان «دوربرگردان ارزش» است؛ شروع مسیری طولانی، اما محتمل، برای این که ریال از فشار های داخلی آزاد شود و بخشی از ارزش خود را از نقش منطقه ای ایران به دست آورد. اگر این مسیر درست طی شود، هرمز تنها یک آبراه نخواهد بود؛ بلکه یک نقطه اتصال بین قدرت ژئوپلیتیک و قدرت پولی ایران خواهد شد.

هشدار نوبلیست اقتصاد نسبت به رکود شدید جهانی

می کنند و کمتر تولید می کنند. این همان چیزی است که اقتصاددانان آن را نابودی تقاضا می نامند.

مقایسه با شوک نفتی ۱۹۷۳

کروگمن بحران فعلی را با شوک نفتی ۱۹۷۳ مقایسه می کند:

- کاهش نفت در آن زمان: حدود ۱۷.۵ درصد پایین تر از روند قبل از بحران
- کاهش رشد اقتصادی در آن زمان: حدود ۷.۵ درصد پایین تر از روند قبل از بحران

وی هشدار می دهد که کاهش مشابه در حال حاضر به معنای «رشد صفر یا منفی جهانی برای دو سال» است که بسیار بدتر از پیش بینی ۳ در صدی صندوق بین المللی پول خواهد بود.

عوامل کاهش دهنده شدت بحران

کروگمن سه عامل را می پذیرد که ممکن است شدت بحران را کم کند:

- امکان توافق: آمریکا می تواند با «با صدای بلند پیروزی را اعلام کردن و در عمل شکست را پذیرفتن» تنگه را باز کند
- شدت نفتی کمتر: اقتصاد جهان در حال حاضر به ازای هر دلار تولید ناخالص داخلی، نفت بسیار کمتری نسبت به ۱۹۷۳ مصرف می کند
- جایگزین های بیشتر: با فرست یک بادوسال، جهان راحت تر از دهه ۱۹۷۰ می تواند به منابع انرژی دیگر روی بیاورد

رکود شدید محتمل است

کروگمن با وجود این عوامل کاهش دهنده، نتیجه می گیرد: اگر تنگه هرمز سه ماه دیگر هم بسته بماند، که به گفته او بسیار محتمل است، رخداد رکود جهانی محتمل است. وی همچنین نسبت به وقوع «رکود تومی» (ترکیب رکود اقتصادی با تورم بالا) هشدار داد که مدیریت آن برای بانک های مرکزی بسیار دشوار تر از رکود معمولی است.

پدر عزیزمان

حاج امان ا... صاحب قلم

پانزده بهار از بهاری که این دارفانی را برای پیوستن به پروردگارت بدردگفتی گذشت. جای آن دستان پرسخاوت و مشکل گشا، آن گامهای استوار و همواره همراه و آن روحیه برصلاط و امیدبخش شما همچنان در جای ما خالی است.

«فردوس برین جایگاهتان باد»

فرزندان

جریان باد را پذیرفتن و عشق را که خواهر مرگ است و جاودانگی، که رازش را با تو در میان نهاد...

خانواده ی نیک اندیش

مرحوم دکتر عزیزاله تقوی

از اینکه در آستانه ی **نخستین سالگرد** درگذشت پدری بزرگوار و همسری فداکار، نام ایشان را با عشق و نیکویی گرامی داشتید، قدردان شما هستیم.

«روحشان شاد و نامشان مانا.»

موسسه خیریه توانبخشی همدم

۱۷۹۶۵

۱۴۰۵/۱۸

مرغ شب خوان که بادلم می خواند، رفت و این آشیانه خالی ماند

آهوان گم شدند در شب دشت، آه از آن رفتگان بی برگشت

به مناسبت نخستین سالگرد آسمانی شدن پدرمان

استاد پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دکتر عزیزالله تقوی

در نهایت ادب از همه ی دوستان و بستگان که در سال گذشته با مهربانی و مروت، رسم همدردی را به جای آوردند، نوری بر قلب و تسکینی بر خاطر سوگوارمان بودند، فروتنانه سپاسگزاریم.

«هزینه مراسم سالگرد ایشان صرف امور خیریه گردید.»

خانواده تقوی

۱۴۰۴/۲